

شاهنشاهی اشکانی

ولسکی، یوزف / **Wolski, Jozef**
شاهنشاهی اشکانی / یوزف ولسکی؛ ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران:
ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۴۸ ص.
ISBN 978-964-311-452-7
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان به فرانسه:
L'EMPIRE DES ARSACIDES
کتابنامه: ۲۲۷-۲۴۰
۱. ایران - تاریخ - اشکانیان، ۲۴۹ ق. م - ۲۲۶ م. الف. ثاقب‌فر، مرتضی،
۱۳۲۱ - ، مترجم. ب. عنوان.
ش ۸ و / DSR ۳۳۳
۹۵۵/۰۲
۱۳۸۲
کتابخانه ملی ایران
۲۸۸۴۱-۸۲ م

شاهنشاهی اشکانی

یوزف ولسکی

ترجمه مرتضی نایب فر



این کتاب ترجمه‌ای است از:

L'EMPIRE DES ARSACIDES

JÓZEF WOLSKI

IN AEDIBUS PEETERS, 1993



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

یوزف وُلسکی

شاهشاهی اشکانی

مرتضی ثاقب‌فر

چاپ ششم

۱۰۰۰ نسخه

۱۳۹۳

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷ - ۴۵۲ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 452 - 7

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۷۰۰۰ تومان

فهرست

۷	کوته‌نوشت‌ها.
۹	یادداشت مترجم.
۱۱	پیشگفتار
۱۹	منابع
۲۷	ایران پیش از اشکانیان
۴۱	ایران در آستانه یورش پارنی‌ها.
۴۹	هجوم ارشک به ایران (مسئله گاهشماری وقایع اوایل دولت پارت)
۶۵	واقعیت تاریخی اشک.
۷۱	تبارشناسی و نام‌شناسی نخستین اشکانیان.
۷۹	دولت پارت در دوره اولین اشکانیان (۱۷۱-۲۳۸ ق.م).
۹۳	تبدیل پادشاهی پارت‌ها به قدرتی شرقی (۱۷۱ تا ۸۷/۸۸ ق.م).
۱۱۱	تغییرات داخلی در دوره بنای امپراتوری. آغاز ایران‌گرایی (ایران‌گرایی جدید).
۱۳۹	اشکانیان در مبارزه با امپریالیسم روم.
۱۵۹	تکاپوی شاهنشاهی اشکانی برای ارمنستان.
۱۹۷	شاهنشاهی اشکانی در وضع دفاعی (یورش‌های رومیان به پارتیان).
۲۱۷	سقوط دودمان اشکانی (جایگاه آن در تاریخ ایران).
۲۲۳	جدول گاهشماری رویدادها.
۲۲۷	کتابنامه
۲۴۱	نمایه (نام‌های مکان و جاها).

کوتہ نوشتہا

AAASH	Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae
Acata Iran.	Acta Iranica
AMI	Archaeologische Mitteilungen aus Iran
ANRW	Aufstieg und Niedergang der römischen Welt, Teil II/ Principat, Berlin - New York, 1974 -
Arch. orient.	Archiv orientální
CAH	The Cambridge Ancient History, 1st ed., vol. IX-XI, Cambridge, 1932-1936; 2nd ed., VII 1, Cambridge, 1984.
C.H. of Iran	The Cambridge History of Iran, III 1, Cambridge, 1983.
Ce. R.D.A.C.	Centro di ricerche e di documentazioni sull' antichità classica
CRAI	Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres
Enc. Brit.	Encyclopaedia Britannica
Enc. Iran.	Encyclopaedia Iranica
FGH	Fragmenta Historicorum Graecorum_C. Müller
Iran. Ant.	Iranica Antiqua
Journ. d. Sav.	Journal des Savants
Journ. Numism.	Journal Numismatique
Journ. of Numism.	Journal of Numismatics
Journ. of Hellen. Stud.	Journal of Hellenic Studies
Journ. Juristic Papyr.	Journal of Juristic Papyrology
Mém. Délég. Arch. Franç.	Mémoires de la Délégation Archéologique Française
Num. Chron.	Numismatic Chronicle

Or. Lov. Per.	Orientalia Lovaniensia Periodica
R.E.	Realencyclopaedie der classischen Altertumswissenschaft, I. Reihe—II. Reihe, 1894 -
Rev. Arch.	Revue Archéologique
Rev. Num	Revue Numismatique
Rom. Imp. Coin.	H. Mattingly et E.A. Sydenham, <i>The Roman Imperial Coinage</i> , I-V, London, 1923-
SEHHW	M. Rostovtzeff, <i>The Social and Economic History of Hellenistic World</i> , I-III, Oxford, 1941
St. Cl. Or.	Studi classici ed orientali
St. Iran.	Studia Iranica
Syll. Insc. Graec ³	Sylloge Inscriptiorum Graecarum ³
V.D.I.	Viestnik Drievniej Istorii
Y.Cl.St.	Yale Classical Studies
Z.f.A.	Zeitschrift für Assyriologie

یادداشت مترجم

یوزف ولسکی لهستانی که اکنون دهه نهم عمر پر بار خود را می‌گذراند، قدیمی‌ترین، و بی‌گراف، بزرگ‌ترین کارشناس تاریخ اشکانی در جهان است. او از دهه ۱۹۳۰ تاکنون بیش از پنجاه کتاب و مقاله در باره اشکانیان انتشار داده و بسیاری از نظریه‌های آغازین او در باره اشکانیان با کشفیات بعدی باستان‌شناختی، به خصوص در نسای ترکمنستان، تأیید شده است. متأسفانه از این اشکانی‌شناس بزرگ تاکنون اثری به زبان فارسی ترجمه نشده بود و مترجم از ناشر محترم سپاسگزار است که این اثر را برای ترجمه در اختیار او قرار داده است.

پیشگفتار

تاریخ تحلیل است نه قصه‌پردازی.

(پل وین، تاریخ‌نویسی، I، ۶۹)

از چند قرن پیش، تاریخ ایران در فاصله میان سقوط هخامنشیان تا ظهور ساسانیان، یعنی مدت پنج قرن و نیم (۳۲۳ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی) را کم‌ارزش پنداشته‌اند. وانگهی این دوره تاریخی از دیدگاه یونانی‌گرایی و به مثابه نتیجه فتح ایران به دست اسکندر کبیر بررسی شده، یعنی عاملی سیاسی که نقشی اساسی در سرنوشت این سرزمین پهناور ایفا کرده است. اما در بخش اعظم این دوره (از حدود ۲۳۸ ق.م تا ۲۲۶ میلادی) دودمان اشکانی، خالق قلمرو پارت‌ها، وجود داشته و تقریباً بر سراسر ایران فرمان می‌رانده است. با این حال در نظر پژوهندگان این تاریخ شهرت نامطلوبی دارد. ریشه این داوری را باید در گزارش‌های نویسندگان باستانی یافت که منابع جدید و معاصر همگی به اتفاق آن‌ها را تکرار می‌کنند. مؤلفان قدیمی اشکانیان را بربرهای نازپرورده یونانی‌گرا و فاقد توانایی انجام کارهای بزرگ، به ویژه در عرصه فرهنگ، می‌پنداشتند. اما با توجه به عیوب و کاستی‌های همیشگی که تقریباً فقط مؤلفان یونانی و رومی مسبب آن بوده‌اند، و با توجه به فقدان منابع بومی، چه ادبی و چه کتیبه‌ای (غیر از سکه‌های معدودی که پیدا شده)، ساده‌انگارانه است که به تاریخ ایران در زمان اشکانیان از دریچه چشم یونانیان و رومیان نگاه کنیم، زیرا آن‌ها پادشاهی اشکانی را نه تنها با قدرت امپراتوری روم بلکه نیز با شاهنشاهی ساسانی مقایسه می‌کردند و آن را کم‌ارزش جلوه می‌دادند. این وضع تأثیر

نامطلوبی بر روند توسعه مطالعاتی که می‌خواسته‌اند در تاریخ اشکانیان ژرفانگری کنند و آن را در چارچوب تاریخ ایران میان تاریخ هخامنشیان و ساسانیان بگنجانند.^۱

با این حال به‌تازگی نشانه‌های تغییر در نگرش ما نسبت به پارت‌های اشکانی پدیدار شده است. این امر دلایل متعددی دارد که فقط به وضع منابع، به‌رغم غنای آن‌ها، مربوط نمی‌شود. افزون بر آن، باید به پیشرفت در عرصه نقد منابع و متون مؤلفان کلاسیک نیز توجه داشت که حاصل تحقیقات پرثمر قرن بیستم است که توانسته‌اند بسیاری از خطاهای غالباً تکراری در تحقیقات سده‌های هجدهم و نوزدهم، به‌خصوص در تفسیر منابع، را اصلاح و رفع کنند.^۲ دریافت‌های مربوط به سال‌های آغازین دوره اشکانی به‌ویژه اشتباه‌آمیز است، چون این گرایش نادرست در میان محققان قدیمی وجود داشته که هر جا متن با دریافتی که از پیش در ذهن آن‌ها پذیرفته و قطعی پنداشته می‌شده، سازگار نبوده آن را «تصحیح» می‌کرده‌اند. با وجود این به نظر می‌رسد که عامل مهم‌تر در مورد ایران، ترک دیدگاه انحصاری یونانی‌گرایی باشد. در دهه‌های اخیر، هر قدر کاوش‌های باستان‌شناسی در شرق و به‌ویژه در ایران بیش‌تر پیشرفت کرده است، از اهمیت نقش یونانی‌گرایی لااقل در مورد ایران کاسته شده است، گرچه نفوذ و گسترش آن در تمام عرصه‌های زندگی آسیای پیشین بسیار زیاد بوده است، فقط جنبه سیاسی آن بخشی از اهمیت خود را حفظ کرده که آن هم به سبب فتح شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر و اداره آن توسط جانشینان سلوکی اوست. اما ساختار اجتماعی - اقتصادی و نیز فرهنگ ایران در برابر فشار یونانی‌گرایی پایدار کرده و چندان تابع نفوذ فاتحان نشده و شکل‌های به ارث رسیده از گذشته خود را حفظ کرده است.^۳ بدین سان

۱. برای آن‌که به گفتاری که در سرآغاز این پیشگفتار از پُل‌وین نقل کردم وفادار مانده باشم، لازم می‌بینم بی‌درنگ تأکید کنم که همیشه بر تحلیل منابع تکیه کرده‌ام و نه، طبق آنچه امروزه معمول است، بر نقل قول‌های مکرر ادبی، مگر آن‌که محتوای آن‌ها ایجاب کرده باشد.

۲. در مورد خطوط اساسی توسعه دولت پارت، بنگرید به: احسان یارشاطر، تاریخ ایران کمبریج (ج ۳)، XV-LXXV) که به‌خوبی ارزش‌های سیاست اشکانیان را که متکی بر ایران‌گرایی بوده بازشناخته و به‌خصوص بر عناصر فرهنگی و از سوی دیگر بر نقش پارت‌ها به عنوان مدافعان ایران در برابر امپریالیسم رومی تأکید ورزیده است. ی. اولسنر در معرفی خود از کتاب ک. شپیمان (Grundzüge der parthischen Geschichte (1980) نیز همین گرایش را دارد و پیشنهادهای او در راستای عقاید من است.

۳. با الهام از مفاهیمی که من در مقاله «در انتظار تاریخ جدید پارت» (Ir.Ant. XX, 1985, 163 ss.) پیشنهاد کرده‌ام، نیز بنگرید به معرفی کتاب کلاوس شپیمان (Gromon, 1982, ص ۴۳ به بعد که پیشنهاد کرده‌ام در ←

بازسازی پنج قرن حکومت اشکانیان در ایران باید بر شالوده‌های متفاوتی استوار گردد، و عناصر تازه‌ای که تاکنون در پژوهش‌ها پذیرفته نمی‌شدند مورد ارزیابی قرار گیرند. ارزش منابع مکتوب جدید، به خصوص کتیبه‌ها و سکه‌ها، به‌رغم اندک بودنشان، باید به‌درستی شناخته شود.

کاوش‌های باستان‌شناختی از دل خاک ایران اشیای بسیار بااهمیتی را بیرون کشیده‌اند.^۱ این کاوش‌ها نه تنها در ایران کنونی بلکه در آسیای مرکزی نیز انجام شده که باعث کشف تماس‌های فراوان ایران با این سرزمین شده است. این رویکرد تازه امکان می‌دهد به عامل نوینی پی ببریم که بتواند تاریخ اشکانیان را در منظر تاریخی متفاوتی قرار دهد. اما این فقط گام نخست است. هر قدر در نگریستن به اشکانیان عینک یونانی - رومی را بیش‌تر کنار زده‌ایم، علی‌رغم کاستی‌های منابع، معلوم شده که آن‌ها ارزش‌های ویژه خود را داشته و از توانایی‌هایی برخوردار بوده‌اند که قبل از هر چیز از سیاست بسیار گسترده‌ی ایشان پیداست. برخلاف پندار محققان که باعث شده به تاریخ اشکانیان کم‌توجهی کنند، شاهان اشکانی شخصیت‌هایی منفعل و تابع سرنوشت نبوده‌اند. پژوهش‌های کنونی نویدی هستند برای توسعه پژوهش‌های آینده. با این حال، از هم امروز تصویری که می‌توان طرح کلی آن را ترسیم کرد به ما امکان می‌دهد به پرسشی پاسخ گوئیم که هنوز مطرح نشده است: اشکانیان چگونه توانستند بر سلوکیان پیروز شوند و بعدها طی چند قرن چگونه توانستند به مخالفت سیاسی و نظامی با امپراتوری روم بپردازند و حتی بارها آن را به‌سختی شکست دهند؟ اشکانیان چونان سیاستمدارانی توانا (همانند هخامنشیان پیش و ساسانیان پس از خود) در زیر بار سنگین

مورد این در عرصه‌های تاریخ پارت‌ها که اهمیت آن‌ها تاکنون چنان که باید شناخته نشده بازنگری شود. نیز

بنگرید به: J. Oelsner, *Arch.f.Orientf.*, 1987, 91-94

۱. از تأکید بر نقش آغازگر لوئی و اندنبرگ، به خصوص در زمینه باستان‌شناسی ایران باستان، نمی‌توان خودداری کرد. هرینکه در مقاله «شرح حال پروفیسور لوئی و اندنبرگ» (*Archaeologia Iranica et Orientalis*, *Miscellanea in Honorem Louis Vanden Berghes*, vol. I, Gent, 1989, XIII-XLV, برخی گرایش‌های نوآورانه او را در تفسیر داده‌های باستان‌شناسی نشان داده که چگونه همبستگی ناگزیری با مطالبات مبتنی بر منابع کلاسیک ایجاد کرده‌اند. در این مورد بنگرید به اظهار نظر و اندنبرگ و ک. شپمان (برجسته‌کاری‌ها، ۱۱۳، شماره ۲۴۷) که اهمیتی بنیادی برای پژوهش‌های آینده دارد و به کارهای ی. وُلَسکی، به ویژه به مقاله «هخامنشیان» (۶۵ به بعد) او، اشاره کرده‌اند.

وظیفه دفاع از ایران، چه از جانب آسیای مرکزی و چه از سوی قفقاز، مجبور بودند نیروهای خود را تقسیم کنند تا بتوانند با این خطر دوگانه به مقابله بپردازند. باید نشان داد که اشکانیان به عنوان جانشینان راستین هخامنشیان، چگونه توانستند راه ایران‌گرایی را ادامه دهند و بدین ترتیب توانایی مبارزه با سلوکیان، یعنی نمایندگان یونان‌گرایی، و نیز با رومیان را بیابند که در سیاست شرقی خود از نگرش‌های توسعه‌طلبانه اسکندر استفاده می‌کردند. بدین ترتیب به‌رغم کاستی منابع، وظیفه اصلی محققان کشف اقدامات و مقاصد سیاسی اشکانیان است که در برابر دشمن، یعنی روم قدرتمند، با همدستی شهرهای یونانی (همانند سلوکیان در قبل) به ویژه در سرزمین بابل و غالباً در کنار اشراف نیرومند ایرانی، توانستند با تکیه به قشر ایرانی دولت خود بر همه این خطرها غلبه کنند. وظیفه دیگر پژوهشگران کشف مراحل فرایند ایرانی شدن پادشاهی اشکانیان است که از این نظر پیش‌کسوت ساسانیان بودند و محققان قبلاً به خطا ایشان را نخستین احیاگران ایران‌گرایی می‌پنداشتند. امروزه بیش از هر زمان دیگر معلوم شده است که عناصر ایرانی موجود در زبان، در اصطلاحات اداری، در ایدئولوژی و در دین همگی فراوردهٔ فعالیت آگاهانه اشکانیان بوده است.

طبعاً چون منابع موجود نمی‌توانند به همه پرسش‌ها پاسخ گویند، ناچاریم با احتیاط تمام به فرضیه‌ها روی آوریم.^۱ این مناسب‌ترین روش است، زیرا فرضیه‌هایی که در این اواخر پیشنهاد می‌شدند با کشفیات جدید کاوش‌های باستان‌شناسی در خاک ایران تأیید شده‌اند. با این حال وقت آن رسیده است که تمام داده‌هایی را که دانش در اختیار دارد، در کنار هم بچینیم تا نتیجه این ترکیب بتواند در خدمت پژوهش‌های تازه قرار گیرد. مروری کوتاه بر نوشته‌های مربوط به تاریخ اشکانیان، عقاید فوق را تأیید می‌کند. این تاریخ، که اکثر کتاب‌های قدیمی از آن غفلت کرده‌اند و آن را یا جزو تاریخ سلوکیان یا

۱. می‌توان پی برد که در سال‌های اخیر تا چه حد عقاید در عرصه باستان‌شناسی در مورد هنر پارت تغییر کرده‌اند. در حالی که م. گاولیکوفسکی (۱۹۷۹) عقیده دارد که «هنر پارت» (که ویژگی اصلی آن قرینه‌سازی است) فقط در منطقه سوریه - بین‌النهرین ظاهر شده، واندنبرگ و شپیمان همین خصوصیت قرینه‌سازی را یکی از دلایل وجود هنر پارت در ایران می‌دانند که تاریخ آن به آغاز دوره پارت یعنی قرن دوم پیش از میلاد برمی‌گردد و بنابراین حلقهٔ زنجیری است که هنر برجسته‌کاری هخامنشی را به هنر صخره‌ای ساسانی پیوند می‌دهد. از نظر تاریخی، برجسته‌کاری‌های پارتی ایران بی‌گمان مقدم بر آثار پارتی پالمیر، دورا اُروپوس و هترا [الحضر] بوده‌اند که به قرن اول میلادی تعلق دارند.

تاریخ روم گنجانده‌اند، به برکت سکه‌های شاهان پارت، که کمیت و کیفیت آن‌ها نمایانگر جایگاه والای دولت اشکانی است، به تدریج دارد روشن می‌شود.

ژ. فوی ویان فرانسوی بر این پایه بود که توانست در قرن هجدهم تاریخ مشهور خود در باره اشکانیان را به زبان لاتینی بنویسد. (*Arsacidarum imperium sive historia*)
 پ. لونگرو را به دنبال داشت (*Arnales Arsacidaum*, Strasbourg, 1732) آن‌گاه وقفه‌ای پیش آمد تا در سال ۱۸۵۰ کتاب سن مارتن به نام *Fragments d'une histoire des Arsacides* (قطعاتی از تاریخ اشکانیان) در پاریس انتشار یافت و به معرفی وضع تحقیقات به ویژه در باره گاهشماری وقایع پارت پرداخت که همیشه موضوعی مورد بحث و اختلاف و تردید بود. در مقایسه با موضع او، دو کتاب زیر به زبان آلمانی یعنی: J.H. Schneiderwirth, *Die Parther nach griechisch-römischen Quellen*, Progr. Heiligenstadt, 1873 (اشنایدرویرت، اشکانیان بر اساس منابع یونانی - رومی)؛ Fr. Spiegel, *Iranische Altertumskunde*, III, Leipzig, 1878 (اشپیگل، باستان‌شناسی ایران)، هیچ نکته جدیدی برای روشن کردن مسئله ندارند.

با کشف و ترجمه اسناد خط میخی بابلی در باره اشکانیان، مرحله نوینی در پژوهش‌ها آغاز شد. این اسناد نظام تاریخ‌گذاری مورد استفاده دولت پارتیان را برای محققان روشن کردند. این اسناد حاوی تاریخ‌های سلطنت شاهان پارت بر اساس مبدأ تاریخ سلوکیان بود که در بابل به کار می‌رفت و بنابر آخرین محاسبات از سال ۳۱۰/۳۱۱ پیش از میلاد آغاز می‌شد؛ یا بر اساس مبدأ تاریخ اشکانیان، در ایران از سال ۲۴۶/۲۴۷ محاسبه می‌شد. بنابر محاسبات قدیمی، تاریخ‌ها به ترتیب عبارت بودند از ۳۱۱/۳۱۲ و ۲۴۷/۲۴۸. با این حال با توجه به فقدان یک نقطه اتکای گاهشماری دیگر، استفاده از این نظام تاریخ‌گذاری دشواری‌هایی داشت. آ.و. گوتشمید استفاده از این داده‌ها در فرایند تاریخی را پیشنهاد کرد و خود عملاً در کتاب خود این کار را انجام داد. کتاب او تحت عنوان *Geschichte Irans und seiner Nachbarländer*^۱ مدت پنجاه سال در مورد تاریخ پارت‌ها نقش کتاب درسی اساسی را داشت و هنوز نیز ارزشمند است. پس از گوتشمید

۱. این کتاب با عنوان تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان با ترجمه کیکاووس جهاننداری از طرف انتشارات ققنوس منتشر شده است. -م.

– بی آن که به کتاب ف. یوستی، تاریخ ایران، استراسبورگ، ۱۸۹۶ اشاره کنیم – مهم‌ترین گام را نیلسون دوبواز برداشت و کتاب تاریخ سیاسی پارت^۱ را در ۱۹۳۸ در شیکاگو منتشر کرد. این کتاب ضمن تکیه بیش‌تر بر تاریخ سیاسی، از منابع جدید یعنی سکه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده در ایران استفاده کرد. با این حال و علی‌رغم این افزایش منابع، منبع اصلی کتاب را کماکان مؤلفان یونانی و رومی تشکیل می‌دهند و اصولاً مؤلفان معاصر بازسازی تاریخ پارت‌های اشکانی را بر این اساس و به خصوص بر اساس دیدگاه رومیان انجام می‌دهند. در کتاب دوبواز حتی شماره، نام و منشأ لژیون‌های رومی و نام فرماندهان رومی آن‌ها که در جنگ با پارت‌ها شرکت داشته‌اند ذکر می‌شود. البته نتایج چنین روش و نگرشی نمی‌توانست رضایت‌بخش باشد و بایستی منتظر دوره بعدی و رویدادهای جنگ جهانی دوم می‌ماندیم تا جوهر این بخش از تاریخ ایران و جایگاه آن در تاریخ باستان را بشناسیم. در این جایی گمان‌کنارگذاشتن طرز فکر اروپامداری افراطی نقش مهمی داشت. البته این فقط آغاز است و فرضیه‌ها هنوز وجود دارند، ولی راه تازه‌ای باز شده است.

دلیل آشکار این امر، انتشار تک‌نگاری ک. شیپمان است. کتاب او به نام *Grundzüge der partischen Geschichte*, Darmstadt, 1980 (شالوده‌های تاریخ پارت)، با وجود آن که همچون آثار پیشین تحت تأثیر منابع یونانی – رومی است، از بسیاری جنبه‌ها کوشیده است تا خود را از عقاید قدیمی که نگرشی کاملاً منفی نسبت به اشکانیان دارند، آزاد سازد. با این همه، عامل تعیین‌کننده‌ای که باب عصر تازه‌ای را در پژوهش‌های مربوط به تاریخ اشکانیان گشوده است، کاوش‌های باستان‌شناسی و کارهای تحلیلی لوئی واندنبرگ و گروه او هستند. این کاوش‌ها و کارهای تحلیلی اسناد مکتوب بسیار گرانبها و آثاری از فرهنگ مادی را در اختیار دانش‌نهاده‌اند که کشفیات باستان‌شناسی شوروی به ویژه در شهر «نسای قدیم» را نیز باید به آن‌ها افزود.

بزرگ‌ترین تک‌نگاری در باره مجموع تاریخ ایران مجلد سوم تاریخ ایران به روایت کمبریج، دوره سلوکی – پارتی، دوره ساسانی (کمبریج، ۱۹۸۳) است. این کتابی است تألیف نویسندگان مختلف و با عقاید گوناگون که آماده‌سازی آن بیش از ده سال طول کشیده ولی باز به نوشته‌های جدیدتر توجهی ندارد. با آن‌که تاریخ سیاسی بخش اعظم این کتاب را به خود اختصاص داده، در بسیاری موارد برداشت کلاوس شیپمان را درست

۱. این کتاب نیز با همین عنوان و ترجمه علی‌اصغر حکمت در تهران منتشر شده است. – م.

می‌پذیرد و بنابراین جز تکرار مطالب قدیمی چیز دیگری نیست. با این حال بحث بسیار گسترده‌ای در باره فرهنگ، جریان‌های مذهبی، خط و ادبیات در آن وجود دارد.

در پایان مایلم به پژوهش‌های خودم در باره تاریخ اشکانیان اشاره‌ای کوتاه بکنم که طی پنجاه سال گذشته انتشار یافته‌اند. من ضمن استفاده از منابع جدید، چه مکتوب و چه باستان‌شناختی، و به نقد گذاشتن آن‌ها بنابر اصول علمی، کوشیده‌ام تاریخ ایران در دوره اشکانی را از دیدگاه ایران‌بگرم نه از دیدگاه یونانی - رومی. البته پیداست که چنین کاری خصلت فرضی دارد. شالوده اصلی آن مواد جدیدی است که از ایران به دست آمده‌اند.^۱ من به طور اصولی و روشمند موضعی هوادار ایران‌گرفته‌ام و ایران‌کانون علاقه‌ام بوده است. از این رو دوره‌بندی قدیمی تاریخ ایران در زمان اشکانیان را رد کرده‌ام، یعنی کاری را که قرن‌ها پیش تاریخ‌نویسان کرده‌اند. گرچه با جریان واقعی تاریخ در زمان فرمانروایی ایشان سازگار نبوده، زیرا سیاست اصلی ایشان رجوع به گذشته هخامنشی یعنی به ایران‌گرایی بوده است. این عوامل هستند که شکلی تازه به تاریخ ایران می‌بخشند و معلول کنش آگاهانه اشکانیان بوده‌اند. تاریخی که باید به جای پیوندزدن آن به تاریخ روم، چه در زمان جمهوری و چه امپراتوری، جوهر عمیق آن را بشناسیم.

۱. مثلاً استدلال مربوط به غنای هنر در ایران را می‌توان از این واقعیت دریافت که در هر منطقه آن یک نوع سفالگری وجود داشته است. بنگرید به:

E. Haerincq, *La céramique en Iran pendant la période parthe*, [سفالگری در ایران طی دوره پارت]. Ir. Ant. Suppl. 2, Gent, 1983

منابع

در مطالعه دوره اشکانی، مانند هر دوره تاریخی دیگری، مسئله اساسی چپستی منابع و تعداد و اعتبار آنهاست.^۱ پژوهشگران سده هجدهم و نیز نوزدهم غیر از چند سگه که اهمیت زیادی داشتند، فقط از منابع یونانی و لاتینی استفاده می‌کردند که تازه تفسیر آنها نیز به روشی خطا انجام می‌شد. با توجه به رفتار ویژه دانش آن روز نسبت به نقش اشکانیان و جایگاه ایشان در تاریخ ایران، این منابع نیز تقریباً منحصرأً برای معرفی پیکارهای ایشان نخست با سلوکیان و سپس با رومیان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در مورد این مرحله از روابط دوجانبه منابع فراوان است. همین عنوان کتاب دوبواز یعنی تاریخ سیاسی پارت خود نشان می‌دهد که یگانه اطلاعاتی که از این منابع می‌توان به دست آورد، چه چیزهایی است. در واقع مؤلف خواسته است تأکید کند که زمینه‌های دیگر قابل بازسازی نیستند. شاید علت این موضع‌گیری فقط این نباشد، اما به طور کلی عقیده رایج مخالف امکان نسبت دادن هرگونه هدف مهم فرهنگی یا ایدئولوژیکی به اشکانیان است. بر تعداد منابع یونانی و لاتینی در طی قرون افزوده نشده است، حال آن‌که بر تعداد کشفیات در ایران افزوده شده و با این کشفیات عقاید قدیمی در معرض تردید قرار گرفته‌اند، از جمله این عقیده که دوره اشکانی (۲۳۸ ق.م - ۲۲۶ میلادی) در تاریخ ایران صفحه‌ای سفید و دوره‌ای از لحاظ فرهنگی خالی است و فقط ساسانیان بوده‌اند که

۱. خلاصه‌ای از وضع منابع مربوط به تاریخ پارت که و.و. تارن در تاریخ باستانی کمبریج داده (CAH.IX, 1932, 34-70 ss., idem, *The Greeks*, 946 ss.) آخرین اطلاعات باستان‌شناختی، کتیبه‌شناختی و سگه شناختی را ندارد و دارای ارزشی ثانوی است. بنگرید به آخرین دسته‌بندی کلاوس شیبمان (5-9) (*Grundzüge*) با ارجاع به منابع و نیز ی. وُلسکی (*Antike Geschichts-schreibung*, 436 ss., *Points de vue*, 17 ss.).

توانسته‌اند با موفقیت سنت هخامنشیان را زنده کنند و لقب آن‌ها به عنوان بنیانگذاران دولت نوپارسی نیز از همین جا ناشی می‌شود. کاوش‌های باستان‌شناسی پایه‌های این داوری را سست کرده‌اند که در ایران طی حدود ۱۲۰۰ سال استمرار فرهنگی وجود نداشته است. در حال حاضر دلایل نسبتاً استواری برای داوری معکوس وجود دارد. از جمله مهم‌ترین دلایل کشف مجموعه کاخ‌هاست که باشکوه‌ترین آن‌ها در «نسای قدیمی» [ترکستان] واقع شده است، و نیز تعداد شایان توجهی پیکره کنده شده بر صخره به ویژه در سرزمین عیلام. این‌ها آخرین پایه را برای داوری در باره هنر پارت، حتی در باره هنر محلی عیلام فراهم ساخته‌اند.

کاوش‌های باستان‌شناسی همچنین باعث کشف تعداد زیادی سگّه و از جمله دفینه‌هایی شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها حاوی سگّه‌های دو پادشاه نخست مستقر در پارت یعنی اشک اول و پسرش اشک دوم شده‌اند، گرچه استفاده از این سگّه‌ها دشوار است، چون شاهان پارت به جای نام خود بر روی سگّه‌ها لقب افتخاری اشک (یا ازشک) را ضرب می‌کردند. با وجود این به برکت عناصر دیگر گرایش‌های موجود در دولت اشکانی شناخته شده‌اند، به خصوص زبان کلمات به کار رفته در پشت و روی سگّه‌ها. در کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۶۱، اسناد فراوانی به ویژه خرده‌سفال‌هایی در نسا به دست آمده که ارزش بعضی از آن‌ها تا همین اواخر کاملاً شناخته نشده بود. اکثر آن‌ها مربوط به سده‌های دوم و یکم پیش از میلاد هستند. کتیبه‌ها انگشت‌شمارند و فاصله زمانی زیادی با هم دارند. این‌ها عبارتند از سه سند، دو یونانی و یک آرامی، که در ۱۹۰۹ در اورامان کردستان ایران پیدا شده‌اند، و یک سند نوشته شده بر روی پوست که همراه با دو دستنوشته دیگر در دورا - اروپوس هنگام حفاری‌های پیش از جنگ جهانی دوم کشف شده‌اند. این اسناد و به خصوص پوستنوشته یونانی دورا - اروپوس حاوی اطلاعات گرانبهایی در باره روابط داخلی دولت پارت است. استفاده کامل از این یافته‌ها به این دلیل هنوز ممکن نشده که تاکنون نتوانسته‌اند به یقین دریابند که آن‌ها، مانند خرده‌سفال‌های نسا، به زبان آرامی نوشته شده‌اند، یا با حروف اندیشه‌نگاری آرامی نوشته شده و به زبان ایرانی خوانده می‌شده‌اند. این مسئله که اهمیت تاریخی زیادی دارد همچنان مورد بحث است. با این حال شاید بررسی‌های اخیر کتیبه‌های روی برجسته‌کاری‌های هنگِ نوروژی به حل این

مسئله کمک کند. به ویژه، بنا به نظر زبان‌شناسانی که ساختار دستوری متون به دست آمده را تحلیل می‌کنند، قدیمی‌ترین متنی که در اختیار داریم و به زبان پهلوی نوشته شده است تقریباً متعلق به سال ۱۰۰ ق.م است و بر روی قطعه سفالی از نسا به دست آمده است. اما متون دیگر قدیمی‌تر که از هنگِ نوروزی به دست آمده‌اند ممکن است متعلق به زمان سلطنت مهرداد یکم (۱۷۱ - ۱۳۸ ق.م) باشند.

و اگر چنین بوده باشد، می‌توان این پدیده را دلیلی بر عمل برنامه‌ریزی شده اشکانیان با نگرشی ایران‌دوستانه دانست که پس از قرن‌ها در زمان بلاش یکم (۵۷-۷۷-۸۰ میلادی) زبان ایرانی را بر زبان یونانی پیروز کرده است. بدین ترتیب نه تنها پیدایش این اسناد نمایانگر قدرت اشکانیان است. بلکه نشان‌دهنده قدرت زبان ایرانی در دوره آغازین سلطنت آن‌هاست که واقعیت‌های فرهنگی مهم این دوره را به اثبات می‌رساند. اسنادی که مستقیماً به فعالیت اشکانیان مربوط می‌شوند، با آن‌که محل ضربشان دقیقاً مشخص نیست، سگه‌ها هستند. کیفیت بالای این سگه‌ها نشان‌دهنده آن است که کار هنرمندان یونانی هستند و از این رو از مدت‌ها پیش توجه مورخان و سگه‌شناسان را به خود جلب کرده‌اند. با وجود این ارزش معرفتی آن‌ها محدود است و غالباً هنگام تغییر آن‌ها به نتایجی نادرست که متأسفانه به سرعت تکرار و شایع شده رسیده‌اند. مثلاً نخست به لقب «فیل‌هلم» [به معنای یونان‌دوست] اشاره می‌کنیم که تقریباً در نیمه قرن دوم پیش از میلاد از جمله القاب شاهان پارت بوده است. باورها و تخیلات و پنداشت‌های نادرست در باره وحشی بودن اشکانیان که از قرن‌ها پیش در ذهن محققان ریشه دوانیده باعث شده که آن‌ها این لقب را دلیلی بر فروتر بودن اشکانیان بپندارند که گویا خود آن‌ها هم به این فروتری خویش و برتری عنصر یونانی اقرار داشته‌اند. اما هنگامی که اخیراً در پرتو تحلیل منابع، نگرش اشکانیان نسبت به دشمنی یونانیان چنان که باید روشن شد، معنای این اصطلاح و اهمیت آن به درستی آشکارگشت و ظرافت شاهان اشکانی را در شیوه تبلیغات به اثبات رسانید.

تأثیر این شیوه بی‌همتا، که شاید برای ابطال اندیشه غلطی که در باره دودمان اشکانی وجود داشت، کافی باشد، با گنجینه سگه‌های کشف شده در بیست سال پیش در شمال ایران استوار گردید. زیرا این گنجینه، غیر از تعداد کمی سگه‌های خارجی، دارای هزاران سگه از دو شاه نخستین دودمان اشکانی، یعنی اشک یکم و پسرش اشک دوم، است که

بدین ترتیب واقعیت تاریخی آن‌ها به‌طور قاطع تأیید می‌شود. بدین سان مطمئن می‌شویم که از زمان ارشک یا اشک، بنیانگذار دولت و دودمان اشکانی (۲۳۸-۲۱۷ ق.م) شاهان این سلسله شروع به ضرب سکه کرده‌اند نه از زمان مهرداد یکم (۱۷۱-۱۳۸ ق.م) و این کار را نیز در مقیاسی گسترده انجام داده‌اند. این واقعیت، که برای تأسیس هر دولت اهمیت عظیمی دارد، توانسته افسانه رایج در مورد سستی و بی‌حالی اشکانیان و ناتوانی ایشان در سرمشق گرفتن از دولت‌های هلنیستی همجوار را باطل سازد. البته این که سرمشق سلوکیان و دودمان‌های همسایه - آندراگورا و دیودوت - توانسته باشد بر این تصمیم اشک اثر گذاشته باشد، امری ممکن و حتی محتمل است. اما در این جا فقط با نفوذ بیگانگان - که در عهد باستان امری رایج بوده - سروکار نداریم. ارشک می‌توانست به‌فعالیتی که خود بانی آن باشد و نفوذ بیگانگان هم به چشم نخورد، اقدام کند. در واقع فقط بخشی از سکه‌ها نوشته‌های رویشان به زبان یونانی است و نوشته‌های سکه‌های دیگر به زبان آرامی است. با در نظر گرفتن نقش زبان آرامی در شاهنشاهی هخامنشی، به نظر می‌رسد درست آن است که نتیجه بگیریم که اشک کاملاً آگاهانه تصمیم گرفته پشت و روی بخشی از سکه‌ها را به زبان آرامی بنویسد - نظیر کاری که شاهان محلی پارس که معاصر او بودند، می‌کردند - تا پیوندهای خود با سنت کهن پارس را نشان دهد و به نگرش ایدئولوژیکی تکیه کند که اشکانیان قرن‌ها به آن وفادار ماندند. بدین ترتیب دو پادشاه اول اشکانی، که در باره آن‌ها این قدر حدسیات متناقض و اکثراً نادرست در منابع کلاسیک و نیز منابع مدرن و حتی بسیار جدید وجود دارد، اکنون دلایل متعددی در باره نقش تاریخی ایشان موجود است. امروزه بازسازی تاریخ دولت اشکانیان باید بر این منابع به دست آمده از خاک ایران پی‌ریزی شود. حال آن‌که اگر همچنان مانند گذشته این منابع نادیده گرفته شوند، تاریخ پارت‌ها کماکان چیزی جز توصیف جنگ‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها به‌ویژه در مبارزه علیه روم نخواهد بود، و در نتیجه باز تصویری ناقص در باره دوره اشکانیان خواهیم داشت.

برای بازسازی تاریخ پیوسته‌ای از دولت پارت فقط چند منبع غیرایرانی و به‌خصوص یونانی و لاتینی در اختیار است؛ نقشی نه چندان مهم نیز به منابع چینی و ارمنی داده شده که در باره ارزش آن‌ها نیز به حد کافی پژوهش نشده است. منابع اساسی قبل از هر چیز به جنگ‌ها اشاره می‌کنند که نخست با سلوکیان و سپس با

جمهوری روم و امپراتوری روم روی داده است. تاکنون معمولاً از روش توصیفی مبتنی بر اصل گاهشماری رویدادها استفاده شده است. با این حال چنین می‌نماید که در پرتو تحلیل منابع جدید و رده‌بندی انتقادی آن‌ها باید به روشی متفاوت دست یازید و در عین حال منابع پیشین را به عنوان اطلاعات پایه حفظ کرد. با توجه به این اصل و با توجه به فقدان تاریخ حقیقی پارت‌ها، نخست به تاریخ پارت‌ها به زبان یونانی که توسط یکی از ساکنان قلمرو اشکانیان به نام آپلودورس آرتمیئایی (حدود ۱۰۰ ق.م)^۱ نوشته شده اشاره می‌کنیم و سپس به تروگوس پومپئوس با تاریخ فیلیپی (قرن اول پیش از میلاد) اشاره می‌کنیم که خلاصه آن در کتاب فشرده یونیانوس یوستینوس (احتمالاً قرن سوم میلادی) حفظ شده است. گزارش یوستینوس حاوی یگانه تاریخ پیوسته پادشاهی اشکانیان است که مقدمه، و در واقع خلاصه همه کتاب‌ها را دارد و تا سال ۲۰ پیش از میلاد به عقب می‌رود. پیش از این رسم چنین بود که قبل از نقد اصلی منابع، حملات متعددی به این کتاب می‌شد که هدفشان کاستن از ارزش آن بود. البته این کتاب اشتباهاتی دارد که مربوط به خطاهای نسخه‌برداران در این دوره طولانی است. با این حال بدنه اصلی اطلاعات یوستینوس، به ویژه اطلاعات مربوط به آغاز دولت پارت توانسته در برابر لبه تیز انتقادها پایداری کند و با ایجازی که دارد شالوده بازسازی سه قرن نخست دولت اشکانی را تشکیل می‌دهد. اطلاعاتی که استرابون در کتاب جغرافیا در اختیار ما می‌گذارد گرانبها هستند چون او از اطلاعات آپلودورس آرتمیئایی، که قبلاً ذکرش آمد، استفاده کرده که علاوه بر توصیف پارت به سال‌های آغازین اشکانیان مربوط می‌شوند، غیر از قطعات ارزشمند نقل شده از کتاب دوم استرابون که استمرار کار پولیبیوس (۲۰۰-۱۲۰ ق.م) هستند. قدیمی‌ترین گزارش لشکرکشی آنتیوخوس سوم به شرق، از جمله علیه اشک دوم، در حوالی سال ۲۰۹ ق.م را مرهون همین مؤلف هستیم. بدون تردید قطعات گرانبهای حفظ شده در کتاب آتنه به نام *Deiprosophistai* (قرن سوم میلادی) چه مستقیماً یا به میانجی پوسیدونیوس، و در واقع استرابون، از همین گزارش گرفته شده‌اند.

از جمله پرارزش‌ترین منابع باید به ایزیدور خاراکسی (احتمالاً پایان قرن یکم

۱. در مورد آپلودورس آرتمیئایی بنگرید به: م.ل. شومون، مقاله آپلودورس آرتمیئایی در آنسیکلوپدیا ایرانیکا (ج ۲، ۱۹۸۶، ۱۶۰-۱۶۱) و نیز J.-M. Alonso-Núñez, Un historien entre deux cultures: Apollodore (ج ۲، ۱۹۸۶، ۱۶۰-۱۶۱) و نیز J.-M. Alonso-Núñez, Un historien entre deux cultures: Apollodore (ج ۲، ۱۹۸۶، ۱۶۰-۱۶۱) و نیز d'Artémite, dans *Mélanges Pierre Lévêque*, vol. 2, Besançon, 1989, 1-6.

میلادی) اشاره کرد که در آن توصیف جاده تجارتي (احتمالاً مربوط به دوره مهرداد دوم ۱۲۳-۸۷ ق.م) که از مرز دولت پارت در فرات تا باختر (باکتریا - بلخ) امتداد داشت آمده، توصیفی که حدس زده می‌شود با ملاحظات شخصی او تکمیل شده باشد. نه تنها اطلاعات موجود در این متن و نیز در باره دوران آغازین دولت پارت، بلکه نیز این واقعیت که در دربار اشکانیان ضرورت و سودمندی چنین توصیفی احساس می‌شده، فضا و سطح فرهنگی پایتخت آن‌ها را نشان می‌دهد و استدلالی مهم برای بازسازی فرهنگ آن محسوب می‌شود. دیودوروس سیسیلی (۲۱-۸۰ ق.م) نیز مهم است. هرچند فقط قطعه‌ای در باره آغاز دوره پارت از او حفظ شده است. همچنین باید به ارزش فراوان پلوتارک کرونه‌ای (۱۲۰-۵۰ میلادی) اشاره کرد که در مجموعه حیات مردان نامی در شرح حال لیسینیوس کراسوس و مارک آنتوان جریان لشکرکشی این دو بر ضد پارت‌ها آمده است. البته این دو ماجرا از نظر نظامی اهمیت دارند، به ویژه نبرد کرهه (حران) و لشکرکشی مارک آنتوان علیه پارت‌ها، که هر دو نبرد با موفقیت بزرگی برای اشکانیان پایان یافت. با این حال گزارش او ارزش زیادی دارد که تاکنون کم‌تر مورد توجه پژوهندگان قرار گرفته و آن این است که دارای اطلاعاتی در باره ساختار اجتماعی دولت اشکانیان است. این اطلاعات به اضافه اطلاعات یوستینیوس به ما امکان می‌دهد برداشتی در باره این عرصه نادیده گرفته شده جمع‌بندی کنیم و بدین ترتیب شناخت ما در باره مسائل اساسی دولت پارت بر شالوده‌های استواری قرارگیرد.

در باره گروه منابع رومی باید به کتاب *Parthika* اثر فلاویوس آریانوس (۱۷۹-۹۵ میلادی) اشاره کرد که در آن غیر از قطعات پراکنده، یک قطعه مهم‌تر در باره سال‌های آغازین دولت اشکانی وجود دارد. چند نام محلی نیز در فرهنگ اتی‌ن‌بیزانسی (سده ششم میلادی) حفظ شده است. این نکته در مورد آریانوس نیز صدق می‌کند که اطلاعات زوسیموس (قرن پنجم میلادی) و سینکلوس (قرن نهم میلادی) مبتنی بر کتاب او هستند. امروزه در پرتو مطالعات انتقادی معلوم شده که کتاب آریانوس را نباید در ردیف منابع مهم قرار داد. پژوهندگان قدیم برای بازسازی تاریخ اولیه دولت پارت اطلاعات او را اساسی می‌پنداشتند، حال آن‌که این اطلاعات از منابع ناشناخته نقل شده‌اند و به همین دلیل آن اهمیت پنداری گذشته را ندارند. تا جایی که می‌توان امروز قضاوت کرد، این اطلاعات بازتاب سنت سلسله‌ای اشکانیان هستند که بعدها برای

افتخار بخشیدن به شاخه کوچک‌تر سلسله نشئت گرفته از برادر کوچک‌تر اشک یکم یعنی تیرداد، که پس از مرگ اشک دوم (حدود ۱۹۱ ق.م) و زوال یافتن شاخه بزرگ خاندان به قدرت رسید مرسوم شد. و اما در مورد گزارش‌های رومی - پارتی، باید گفت گزارش تاسیتوس (حدود ۱۲۰-۵۰ میلادی) ارزش فراوانی دارد، زیرا او در سالنامه‌ها به ارائه یک رشته اطلاعات مهم در باره روابط داخلی در ایران اشکانی پرداخته است. همچنین نقل قول او از سخنان اصلی و نامه‌های شاهان پارت - که بی‌گمان از بایگانی‌های سلطنتی به دست آمده - ارزش دارد و عرصه‌های اساسی سیاست اشکانیان و سازوکارهای آن را فاش می‌سازد، و این چیزی است که تاکنون توجه چندانی به آن نشده بود. همچنین کتاب تاریخ روم تألیف دیون کاسیوس (حدود ۲۳۵-۱۵۵ میلادی) اثری برجسته است: در قسمت‌هایی که از این کتاب باقی مانده است، جزئیات مهمی بیش از همه در باره روابط روم با پارت‌ها وجود دارد.

برای شناخت جغرافیای پارت و ایران، غیر از استرابون، پلینیوس کهن (۷۹-۲۴ میلادی) مؤلف تاریخ طبیعی نیز اطلاعاتی در اختیار ما می‌گذارد. او افزون بر این، اطلاعاتی در باره تاریخ ایران در دوره سلوکی ارائه می‌دهد که هنوز به خوبی مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. در برخی قطعات تاریخ پارتی عبارات گنجانده شده در دفاعیات و نیز در مکاتبات مارکوس تولیوس سیسرون (۱۰۶-۴۳ ق.م) نقل شده است. در مورد نگرش مثبت نسبت به دولت اشکانی باید به فلاویوس یوزف (۱۰۰-۳۷/۳۸ میلادی) و به ویژه به کتابش *Antiquitates Judaicae* نیز اشاره کرد. سرانجام لازم است دو گروه منابع را به یاد آوریم که در غنی ساختن پایه بازسازی تاریخ شاهنشاهی اشکانی سهم دارند و این دو گروه عبارتند از منابع ارمنی و چینی. در مورد گروه نخست می‌توان گفت که با توجه به تماس‌های نزدیک میان اشکانیان و ارمنستان طی قرن‌ها، اهمیت آن‌ها باید در درجه اول باشد. این آثار که از صفت جانبداری به زیان پارت‌ها - که سنت آثار یونانی و رومی بوده - مصون بوده‌اند، می‌توانند به منزله عامل توازنی در قضاوت عمل کنند. با این حال تلاشی که برای تحلیل محتوای این آثار شده تا پیوندی از نظر تاریخی تأیید شده در آن‌ها پیدا شود و امکان تعیین محل و شناسایی اشخاص و رویدادها فراهم گردد، به‌نتایج رضایت‌بخشی نرسیده است. در حال حاضر این آثار هیچ عنصر جدیدی

برای شناخت تاریخ اشکانیان ندارند.^۱ اما در مورد منابع چینی وضع چنین نیست و می‌توان از آن‌ها بسیار بهره گرفت، گرچه خط چینی از لحاظ شناسایی واژه‌ها و نام‌ها دشواری‌های فراوانی پدید می‌آورد. از سه منبع مربوط به تاریخ ایران، قدیمی‌ترین آن‌ها سالنامه‌های تاریخی است که در ۹۸ ق.م پایان یافته‌اند و مربوط به سفیری هستند که از چین به منطقه مرزی ایران آمده بود تا با وضع ایجاد شده در باختر (باکتریا) و سرزمین‌های مجاور پس از مهاجرت اقوام آسیای مرکزی به سرزمین ایران در حدود سال ۱۳۵ قبل از میلاد آشنا شود. دو منبع دیگر عبارتند از سالنامه‌های معروف «دودمان نخستین هان» در قرن اول میلادی، که حاوی توصیفی از پارتی هستند، و سالنامه‌های «دودمان پسین هان» که محتوای آن‌ها طی قرن‌ها بر هم انباشته شده‌اند تا در قرن نوزدهم شکل قطعی خود را پیدا کنند و مراحل سفر یک پیک چینی را در ۹۷ میلادی از طریق ایران به خلیج فارس شرح می‌دهند. این منابع مربوط به رویدادهای پراکنده هستند و از این رو اطلاعاتی اساسی در باره تاریخ اشکانیان ندارند.

وقتی داده‌های منابع یاد شده در بالا را در کنار هم قرار می‌دهیم، درست می‌نماید که بار دیگر تأکید کنیم که برای بازسازی تاریخ پادشاهی اشکانی (که همانند ساسانیان هم‌اورد بزرگ امپراتوری روم بوده است) فهرست منابعی قابل قیاس با منابع تاریخ روم در اختیار نداریم. از این لحاظ می‌توان میان پادشاهی پارت و پادشاهی‌های هلنیستی مصر و سلوکی شباهت‌هایی پیدا کرد. البته این مقایسه فقط مربوط به منابع است؛ دولت‌های نام برده، همانند بازمانده‌های دولت یونانیان باختر (باکتریا) که در آغاز مقتدر بود، بدون آن‌که چندان نشانی از خود باقی گذارند (مصر بیش‌تر و سلوکیان کم‌تر) از صحنه سیاسی محو شدند. قدرت ایران، که یگانه قدرت سیاسی دوران بود که هم در برابر امپراتوری روم پایداری کرد و هم شاهنشاهی ایران را حیات بخشید، این وظیفه را بر دوش محققان می‌گذارد که به استخراج داده‌هایی بپردازند که بتوانند این عظمت را آشکار و اثبات نمایند.^۲

۱. ب. فیلیپ لوزینسکی در کتاب سرزمین اصلی پارت‌ها، گراونهاگه، ۱۹۵۹، به سود منابع ارمنی و اهمیت آن‌ها برای بازسازی تاریخ پارت اظهار عقیده کرده بود. اما من (J. Wolski, *Gnomon*, 1960, 374-375) عقیده‌ای مخالف او دارم.

۲. منابع ایرانی که تاکنون در دانش تاریخ نقش چندانی نداشته‌اند، رفته‌رفته در پژوهش‌ها به عنوان مجموعه‌ای مهم برای نگاهی نوین به تاریخ پارت عرض اندام می‌کنند. افزون بر شپیمان (Schippmann, *Grundzüge*, 5 ss) بنگرید به: ی. وُلْسکی، منابع ایرانی (۲۱۷ به بعد) که آن‌ها را در ردیف نخست قرار می‌دهد.

ایران پیش از اشکانیان

بدون تحلیل عمیق وضع پیشین ایران نمی‌توان به ارزیابی پدیده‌هایی پرداخت که به قدرت‌گیری اشکانیان انجامیدند. چنین می‌نماید که در این مورد، این یگانه روش مناسب باشد، نه روش توصیف رویدادها. زیرا کلیدی که امکان کشف انگیزه‌ها و گرایش‌ها را فراهم می‌سازد در این جا قرار دارد، انگیزه‌هایی که بدون درک آن‌ها پیشرفت پژوهش ما دشوار خواهد بود. تحلیل مسائل پیش از به قدرت رسیدن اشکانیان به دوره سلوکیان محدود نمی‌شود، که در مورد آن نیز منابع قابل توجهی در دسترس نیست.^۱ با این حال کمبود منابع فقط یکی از عواملی است که درک جریان رویدادها را دشوار می‌سازد. عواقب وخیم‌تر از گرایشی سرچشمه می‌گیرد که در همه مطالعات تاریخی و نه فقط مطالعات مربوط به سلوکیان دیده می‌شود، و آن عبارت است از جدا کردن یک کردار خلاقانه بنیانگذار دولت و سلسله، یعنی سلوکوس یکم نیکاتور، به عنوان جوهری مستقل چه از نظر گاهشماری و چه از دیدگاه جغرافیایی. چنین عملی ارزیابی واقعی این

۱. تاریخ پادشاهی سلوکیان در این اواخر موضوع مطالعات عمیقی قرار گرفته که تا حدی امکان غلبه بر نقایص ناشی از کمبود منابع مکتوب را فراهم می‌سازند. بنگرید به: Ph. Edson, *Imperium Macedonicum. The Seleucid Empire and the Literary Evidence*, *Class.Philol.*, 53, 1958, 157-170; B. Bar Kochva, *The Seleucid Army Organisation and Politics in the Great Campaigns*, Cambridge, 1976; M. Cohen, *The Seleucid Colonies. Studies in Founding, Administration and Organization*. *Historia Einzl.* 30, 1978. S'il s'agit de Séleucos I, voir A. Mehl, *Seleukos Nikator und sein Reich*, I, Lovanium, 1986. Quant à Antiochos I, voir D. Musti, *Lo stato dei Seleucidi. Dinastia, popoli, città da seleuco I ad Antiocho III*, *St. Cl. Or.* 15, 1966, 61-167. Voir aussi C. A. H., IInd ed., vol. VII 1, *The Hellenistic World*, Cambridge, 1984, ch.6, Syria and the East, 203 ss.

دولت را دشوار و در واقع ناممکن می‌سازد، دولتی که ادامه مراحل تاریخی پیش از خود یعنی حکومت‌های اسکندر و هخامنشیان بوده است.^۱ اصطلاح هلنیسم که توسط یوهان گوستاو درویزن باب شده، و این واقعیت که آن را در مورد همه سرزمین‌های مفتوحه توسط اسکندر و از جمله ایران تعمیم داده‌اند، چه از لحاظ گاهشماری و چه شالوده مسئله، به پیامدهای خطیری انجامیده است: گویی دوره‌ای جداگانه زاده شده که جدا از دوره‌های پیش از خود بوده و ساختارهای ویژه‌ای داشته است. گویی شرق از هزاران قرن تاریخ خود، که ارزیابی نقش و اهمیت آن را نمی‌دانسته‌اند، گسسته بوده است. با این همه اندیشه وجود تاریخی مستمر که برگستره زمانی مهم‌تری آرمیده، و استمرار برخی پدیده‌ها به ویژه در عرصه فرهنگ را به نمایش می‌گذارد و اهمیت کم‌تری به تاریخ سیاسی می‌بخشد، امروزه بیش از پیش حاکم می‌شود و اجازه می‌دهد که امیدوار باشیم بتوانیم تا حدی بر مشکلات مربوط به نقص منابع در باره سلوکیان غلبه کنیم. بدیهی است که این‌گونه موضوع‌گیری همه مسائل را حل نخواهد کرد، و تمام مشکلات فراوان تاریخ سلوکیان، به خصوص مرحله ایرانی آن را که اهمیت ویژه‌ای دارد، از میان نخواهد برد. با این حال این دید کیفی جدید مقارن شده است با افزایش شدید مواد باستان‌شناختی به دست آمده از خاک ایران، موادی که به نحوی غیرمنتظره خلأ ظاهری فعالیت فرهنگی مردم در فاصله میان سقوط هخامنشیان و ظهور ساسانیان را پر می‌کند. بدین سان وضعیت جدیدی از لحاظ کمی و کیفی پیش آمده که مشوق پژوهش‌هایی است که فقط به جزئیات مسائل پراکنده نپردازند، بلکه آن‌ها را در مجموع بررسی کنند، زیرا فقط چنین مطالعاتی می‌توانند به نتایجی موجه بینجامند. بنابراین اگر می‌خواهیم نقش و اهمیت سلوکیان را در تاریخ ایران دریابیم، باید در نظر داشته باشیم که آنان همان قدر که ادامه‌دهندگان راه اسکندر بزرگ بوده‌اند، جانشینان و ادامه‌دهندگان هخامنشیان نیز بوده‌اند.

این رویکرد جدید فقط به وضع کلی پادشاهی سلوکیان در جهان آن زمان و درگیری آن‌ها در مسائل بخش غربی امپراتوریشان (مصر و آسیای صغیر) توجه نمی‌کند، بلکه

۱. در مورد این مسئله بنگرید به: ی. وُلَسکی، منابع دوره هلنیستی و پارت در تاریخ ایران. مشکلات تفسیر آن‌ها و مسائل ارزیابی آن‌ها در مجموعه منابع تاریخ پیش از اسلام آسیای مرکزی، سری I، ج III، بوداپست، ۱۹۸۴، ۱۳۷-۱۴۵.

به خصوص به عنصر سازنده ایرانی به عنوان عامل مؤثر بر سیر رویدادها، و نیز نقش پدیده‌ها و رویدادهای خارج از ایران بر ایران توجه می‌کند.^۱ تاکنون این عناصر در تحلیل پدیده‌هایی که در ایران رخ داده‌اند مورد توجه قرار نگرفته‌اند.^۲ و با وجود این باید در نظر داشت که پس از سقوط دودمان هخامنشی، ایران و نیز سرزمین‌های خارج از ایران تا چند سال بار سنگین مبارزه علیه اسکندر مقدونی را بر دوش داشته‌اند و این وضع به هیچ وجه با مرگ او پایان نیافت. چون سلوکیان میراث او و نیز میراث هخامنشیان را صاحب شده و ناچار بودند از سرزمین‌های شمالی ایران که پیوسته در معرض تهدید نیروهای فزاینده ایلات قرار داشت دفاع کنند. تاکنون در مطالعاتی که انجام گرفته است، نقش این سرزمین پهناور و پیچیده که از دریای خزر تا رشته کوه‌های آسیای مرکزی و حتی تا هندوستان ادامه داشت - و در هندوستان نیز دولت‌های مهمی در دوره فتوحات هخامنشیان و اسکندر تشکیل شده بودند - به خوبی مورد ارزیابی قرار نگرفته است. گسترش حکومت مقدونی، که با روش‌هایی سرسختانه‌تر از هخامنشیان انجام گرفت، در شمال و شرق مرزهای ایران تأثیر شدیدی بر اقوامی گذاشت که در آن جاها ساکن بودند و باعث شتاب گرفتن روند تأسیس دولت در نزد آن‌ها شد. سلوکیان، که پس از دوره

۱. در پژوهش‌های ی. وُلسکی مسئله ایران جایگاه درجه اولی دارد. بنگرید به نابودی سلطه سلوکیان در ایران در قرن سوم پیش از میلاد در خبرنامه بین‌المللی فرهنگستان علوم لهستان، مبحث زبان‌شناسی، مبحث تاریخ و فلسفه، شماره ضمیمه ۵، کراکو، ۱۹۴۷، ۷۰-۱۳. ترجمه آلمانی آن در *Der Hellenismus im Mittelasien* دارمشتات، ۱۹۶۹، ۲۵۴-۱۸۸؛ وُلسکی، (به انگلیسی) فروپاشی بخش ایرانی امپراتوری سلوکیان و گاهشماری آغاز پارتیان، *Berytus* 12، ۱۹۵۷، ۵۲-۳۵؛ وُلسکی (به فرانسه) ایران در سیاست سلوکیان، *AAASH XXV*, fasc. 1-4، ۱۹۷۷، ۱۵۶-۱۴۹؛ وُلسکی، پادشاهی‌های هلنیستی و پارت‌ها، هفتمین کنگره بین‌المللی *F.I.E.C* ج I، بوداپست، ۱۹۸۳، ۲۶۹-۲۶۷؛ وُلسکی، (به ایتالیایی) سیاست ایران در اوایل سلوکیان *Atti e Memorie dell'Accademia Patavina di Scienze. Lettere ed Arti*, vol. XCVI, Padova, 1983-1984, 189-203. نگاه کنید به: ریچارد فرای، میراث ایران، لندن، ۱۹۶۲؛ همان، تاریخ ایران باستان، مونیخ، ۱۹۸۴؛ ه. اشمیت، بررسی‌هایی در باره تاریخ آنتیوخوس (به آلمانی)، ویسبادن، ۱۹۶۴؛ گ. لوریده، شوش در زمان سلوکیان و پارت‌ها. سکه‌های پیدا شده و تاریخ شهر. خاطرات هیئت باستان‌شناسی در ایران، ج ۳۸، پاریس، ۱۹۶۵؛ F. Altheim, *Geschichte Mittelasiens im Altertum*, Berlin, 1970; H. Bengtson, *Griechische Geschichte*, 5^e ed., München, 1997. *Geschichte*, ادوارد ویل، تاریخ سیاسی جهان هلنیستی، ج I، نانسی ۱۹۷۹، ج ۲، نانسی ۱۹۸۲.

2. Cf. J. Wolski, *Antike Geschichtsschreibung und der Alte Orient im Lichte der Enteuropäisierungstendenz*, *Klio* 66, 1984, 436-442.

که بر ضرورت برتری نهادن بر عنصر ایرانی و نه هلنیستی در بازسازی تاریخ ایران تأکید کرده است.

فتوحات صاعقه‌گون اسکندر خود را با وضع جدیدی روبرو دیدند که اشکال خطرناکی برایشان پیدا می‌کرد، ناچار شدند این عناصر را به حساب آورند.^۱ برای بازسازی تمهیدات آن‌ها باید به منابع یونانی - لاتینی متوسل شد که تاکنون از این جنبه کم‌تر مورد تحلیل قرار گرفته یا اصلاً نگرفته‌اند، و افزون بر آن باید عوامل ایرانی را در نظر گرفت، زیرا بدون این کار همه بازسازی گویی در خلأ انجام می‌گیرد. برای دریافت معنای استمرار تاریخی، هیچ حلقه زنجیری که امکان پر کردن خلأها را می‌دهد قابل حذف نیست، زیرا این خلأها در فرایند تاریخ ایران در دوره سلوکی وجود دارند. و در این جا دو شورش یونانیان در باکتريا (باختر) از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. نه فقط از آن رو که در این باره تعدادی منبع در اختیار داریم، بلکه نیز به آن دلیل که این شورش‌ها یادآور وقایعی هستند که بعداً در اواسط قرن سوم پیش از میلاد در باکتريا رخ دادند. نتایجی هم که می‌توان از این وقایع در باره تاریخ داخلی پادشاهی‌های اسکندر و سلوکیان گرفت بی‌اهمیت نیستند. به هر حال من ضمن تحلیل شورش دیودوتوس، شَهْرَبِ [ساتراپ] باکتريا و این واقعیت که او عنوان شاه بر خود گذاشته، این وقایع را در ۳۲۵ و ۳۲۳ پیش از میلاد جای داده‌ام.^۲ در این مورد می‌توان به گزارش کوتاه ک. کورتیوس (IX، 7) اشاره کرد. در این گزارش باید به حضور عناصری در این جنبش تأکید کرد که در منابع مربوط به شورش‌های بعدی در ایران علیه سلوکیان نام ایشان برده شده است، یعنی آندراگوراس شهرَبِ [ساتراپ] پارت و دیودوتوس ساتراپ باکتريا. البته یونانیان در هر

1. Cf. J. Wolski, Die Widerstandsbewegung gegen die makedonische Herrschaft im Orient, *Klio* 51, 1969, 207-215.

فقط در این اواخر به عوامل ایرانی و غیرایرانی و اهمیت آن‌ها به عنوان اندیشه‌ای مستمر در فرایند تاریخی و مخالفت آن با دستاورد اسکندر و سلوکیان توجه شده است. نیز بنگرید به: ادوارد ویل، تاریخ سیاسی جهان هلنیستی، چاپ دوم، ج ۱، ۲۶۲ به بعد که در این زمینه پژوهش‌های وُلْسکی را دنبال می‌کند. در مورد اهمیت نواحی پس‌کرانه ایران نگاه کنید به: ب. بریان، راهزنی، نارضایتی و کشورگشایی در آسیای هخامنشی و هلنیستی، گفتاری در باره تاریخ باستان، II، ۱۹۷۶، ۲۵۸-۱۶۳. نیز: ف. ل. هولت، اسکندر کبیر و باکتريا لیدن، ۱۹۸۹.

۲. این دو قیام یونانی که به شکل وقایعی جداگانه در نظر گرفته شده‌اند، تاکنون عمیقاً تحلیل نشده‌اند تا اهمیت تاریخی آن‌ها روشن شود. ولی بنگرید به: ی. وُلْسکی، «مسئله تأسیس دولت یونانی - باختری»، در *Ir. Ant.* XVII، 131-146، 1982 چیزی که در این جا شایان تأکید است آن است که می‌بینیم چند دهه بعد در باکتريا یونانیان دوباره شورش می‌کنند و این بار نیز مانند قرن چهارم ایرانیان به هواداری از یونانیان در شورش شرکت می‌کنند. نک. ی. وُلْسکی، «ایرانیان و قلمرو یونانی - باختری» *Klio* 28, 1960, 110-121 و ترجمه آلمانی آن در *Der Hellenismus im Mittelasien*, Darmstadt, 1969, 255-274 در این مورد نیز رهبر قیام لقب شاه گرفت.